



مدرسان شریف

فصل اول

«اسم، ضمیر و فعل»

معمولاً از مباحثی چون اسم، ضمیر و تا حدودی فعل، سؤال چندانی در آزمون‌های سال‌های اخیر طراحی نشده. این‌گونه مباحث بیشتر در آزمون‌های دهه ۸۰ مورد ارزیابی قرار می‌گرفتند و اکنون طراحان، به مباحث مهم‌تری می‌پردازند که در فصل‌های بعدی به آن‌ها خواهیم پرداخت. در عین حال جهت آشنایی و صرف اینکه شما را از خواندن هر منبع دیگری بی‌نیاز کنیم، بد نیست این سه مبحث را هم به طور خلاصه بررسی کنیم.



اسم کلمه‌ای است که برای نامیدن یک موجود زنده، یک موجود غیرزنده یا یک مفهوم خاص به کار می‌رود. مثلاً کتاب و علی در زبان فارسی یا book و Ali در زبان انگلیسی. اسم‌ها می‌توانند **قابل شمارش** یا **غیرقابل شمارش** باشند. اسم قابل شمارش اسمی است که می‌توان آن را شمرد؛ مانند book، چون می‌توانیم بگوییم one book یا ten books. واژه‌هایی مثل table, boy, cat و ... همگی در این دسته قرار دارند، چون همه‌ی آن‌ها را می‌توان شمرد، ولی اسم غیرقابل شمارش اسمی است که نمی‌توان آن را شمرد؛ مانند information، چون نمی‌توانیم بگوییم one information یا دو اطلاعات. با اینکه این تکنیک بسیار کمک‌کننده است، اما گاهی چندان جوابگو نیست. بنابراین بهترین راه برای تفکیک اسمی قابل شمارش از اسمی غیرقابل شمارش این است که آن‌ها را حفظ کنیم. البته تا به حال سؤالی از این مبحث نیامده، پس شما هم لازم نیست خودتان را زیاد درگیر این موضوع کنید و همین که نگاهی به **اسامی غیرقابل شمارش** زیر ببینید، در حد کنکور کفایت می‌کند: (به جای حفظ این اسامی، فقط عناوین را به خاطر بسپارید)

Fluids: blood, water, oil, coffee, tea, gasoline....

Foods: rice, sugar, fruit, milk, bread, butter, cheese

Raw materials: wood, paper, glass, iron, silver, wool

Gases: oxygen, nitrogen, air, pollution, steam....

General: furniture, mail, money, traffic....

Academic subjects: chemistry, mathematics, physics, psychology, linguistics....

Languages: English, Chinese, Japanese, Spanish

Abstract things: education, health, beauty, intelligence, knowledge, sleep, hope, music, time....

بد نیست این را هم اضافه کنیم که این اسامی معمولاً **غیرقابل شمارش** هستند. پس اگر جایی دیدید به صورت قابل شمارش هم به کار رفته‌اند، زیاد جا نخورید چون قابل شمارش بودن یا غیرقابل شمارش بودن یک واژه مطلق نیست و بستگی به معنی‌های مختلف آن واژه دارد.



نکته آزمون: یکی از ویژگی‌های اسامی قابل شمارش این است که می‌توانیم قبل از آنها از a/an یا از یک عدد استفاده کنیم و یا آن‌ها را به صورت جمع به کار ببریم:

a chair ⇒ chairs ⇒ two chairs

a boy ⇒ boys ⇒ four boys

اما اسامی غیرقابل شمارش این‌طور نیستند؛ یعنی قبل از آنها نمی‌توانیم از a/an یا عدد استفاده کنیم. همچنین نمی‌توانیم آن‌ها را به صورت جمع به کار ببریم:

information ⇒ one information ⇒ informations

gold ⇒ golds ⇒ two-golds

چند نکته‌ی مهم درباره‌ی اسم که ممکن است در آزمون‌ها از آنها سؤال بیاید:

۱- گفتیم می‌توان اسم قابل شمارش را جمع بست و به آن S جمع اضافه کرد، اما بعضی از اسم‌ها مثل mathematics (ریاضیات)، physics (فیزیک)، linguistics (زبان‌شناسی)، statistics (علم آمار)، economics (اقتصاد) و مواردی از این قبیل با اینکه به S ختم شده‌اند، اما این S متعلق به خود کلمه است و علامت جمع نیست.



Statistics is a branch of mathematics.

آمار شاخه‌ای از ریاضیات است.

To me, physics is a fascinating subject.

از نظر من، فیزیک رشته‌ی جالبی است.

۲- اسامی زیر همیشه جمع هستند و در نتیجه با فعل جمع به کار می‌روند:

glasses	عینک	jeans	شلوار جین	stairs	پله‌ها
trousers	شلوار	belongings	متعلقات، وسایل	people	مردم
earnings	عایدات	goods	کالا	scissors	قیچی
pants	شلوار	police	پلیس	clothes	لباس

Several police were injured during the rioting.

چند پلیس طی شورش مصدوم شدند.

At least 40 people were killed.

دست کم ۴۰ نفر کشته شدند.

۳- اسم می‌تواند فاعل یا مفعول باشد؛ مثلاً در جمله‌ی David bought two books، David فاعل و book مفعول است. همچنین اسم می‌تواند از چند کلمه تشکیل شده باشد که در این صورت به آن عبارت اسمی (noun phrase) می‌گوییم؛ مثل the source of the money که باز می‌تواند فاعل یا مفعول باشد.

Example 1: The people attending the MBA conference in Tehran are not

- 1) mathematic's professors
- 2) mathematics professor
- 3) mathematics professors
- 4) mathematic professors

پاسخ: گزینه «۳» افرادی که در کنفرانس MBA در تهران شرکت می‌کنند، اساتید ریاضیات نیستند.

توضیح گرامری: علم ریاضی را mathematics می‌گوییم نه mathematic یا mathematic's (علت نادرست بودن گزینه‌های (۱) و (۲)) و چون people جمع است، professor هم باید به صورت professors باشد.



ضمایر

ضمیر کلمه‌ای است که جانشین اسم می‌شود تا از تکرار آن جلوگیری کند:

The boy is 25 years old. The boy is married

آن پسر ۲۵ سال سن دارد. آن پسر متأهل است.

The boy is 25 years old. He is married

آن پسر ۲۵ سال سن دارد. او متأهل است.

تقسیم‌بندی ضمایر

۱- **ضمایر فاعلی:** این ضمایر همانطور که از اسم‌شان پیداست، به جای فاعل می‌نشینند و به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می‌شوند. این هم فهرست کاملشان به همراه چند مثال:

	مفرد	جمع
اول شخص	I	we
دوم شخص	you	you
سوم شخص	he / she / it	they

We live in Tehran.

ما در تهران زندگی می‌کنیم.

My wife and I are related.

همسر من و من خویشاوند هستیم.

She wakes up early.

او (مؤنث) صبح زود از خواب بیدار می‌شود.

They speak Italian.

آنها ایتالیایی صحبت می‌کنند.

۲- **ضمایر مفعولی:** این ضمایر یا جای مفعول می‌نشینند و یا این که بعد از حرف اضافه به کار می‌روند و درست مثل ضمایر فاعلی به صورت «من، تو، او، ما و...» ترجمه می‌شوند:

	مفرد	جمع
اول شخص	me	Us
دوم شخص	you	You
سوم شخص	him / her / it	Them

He loves me.

او من را دوست دارد.

We buried him.

ما او را دفن کردیم.

Between you and me (not I), he is smoking.

بین خودمان (تو و من) باشد، او سیگار می‌کشد.

Learning English is easy for us.

یادگیری انگلیسی برای ما آسان است.

Example 2: Moby Dick is a mythical account of evil and revenge as shown by Captain Ahab's pursuit of the whale that had wounded earlier in life.

1) he

2) his

3) him

4) to him

پاسخ: گزینه «۳» «موبی دیک» داستانی در مورد شرارت و انتقام است که در آن، ناخدا ایهب به دنبال نهنگی می‌رود که قبلاً او را زخمی کرده.

توضیح گرامری: wound به معنی زخمی کردن، فعل است و چون جای خالی بعد از فعل قرار گرفته، می‌توانیم بگوییم باید حتماً با مفعول یا ضمیر مفعولی پر شود. در بین گزینه‌ها فقط him ضمیر مفعولی است. پس گزینه‌های (۱) و (۲) کنار می‌روند. در گزینه (۴) حرف اضافه‌ی to غیر ضروری است. به عنوان یک قانون کلی یادتان باشد که معمولاً ضمائر فاعلی قبل از فعل و ضمائر مفعولی بعد از آن (فعل) به کار می‌روند.

Example 3: For they, the most rewarding shipwreck found was the HMS Associated.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» تحسین برانگیزترین کشتی به گل نشسته از نظر آنها HMS Associated بود.

توضیح گرامری: they ضمیر فاعلی است که قبل از فعل می‌آید. them ضمیر مفعولی است که بعد از حرف اضافه به عنوان مفعول به کار می‌رود. پس گزینه (۱) باید به them تبدیل شود.

به این تست‌ها تصحیح جمله گفته می‌شود. شما باید گزینه‌ای را که به لحاظ گرامری نادرست است مشخص کنید. البته تا به حال در کنکور تست‌های این سبکی نیامده است.

۳- ضمائر ملکی: ضمائر ملکی نشان‌دهنده‌ی مالکیت یک چیز هستند و معمولاً بعد از فعل to be می‌آیند و به صورت «مال من، مال تو و ...» ترجمه می‌شوند. فهرست این ضمائر به همراه چند مثال در زیر آمده:

	مفرد	جمع
اول شخص	mine	ours
دوم شخص	yours	yours
سوم شخص	his / hers	theirs

The purse is **hers**.

این کیف، مال او است.

I couldn't work in Mary's room. **Hers** is even smaller than **yours** or **mine**.

نمی‌توانستم در اتاق مری کار کنم. اتاق او از اتاق تو و من هم کوچک‌تر است.

Whose book is this? This book is **mine**.

این کتاب مال چه کسی است؟ این کتاب مال من است.

۴- ضمائر انعکاسی: این ضمائر نشان‌دهنده‌ی بازتاب دوباره‌ی فاعل یا مفعول هستند و به صورت «خودم، خودت، خودش و ...» ترجمه می‌شوند. این هم فهرست کامل این ضمائر به همراه چند مثال:

	مفرد	جمع
اول شخص	myself	ourselves
دوم شخص	yourself	yourselves
سوم شخص	himself / herself / itself	themselves

You **yourself** answered the telephone.

تو خودت به تلفن جواب دادی.

You answered the telephone **yourself**.

خود شما (شما خودتان) مقصر هستید.

You **yourselves** are the guilty ones.

او خودش از بچه مراقبت می‌کند.

He **himself** takes care of the baby.



۵- ضمائر دو طرفه: این ضمائر شامل *each other* و *one another* می‌شود که معنی هر دو «همدیگر، یکدیگر» است. این دو ضمیر به‌عنوان فاعل استفاده نمی‌شوند.

They amused **each other** by telling stories. آنها با داستان‌گویی سر همدیگر را گرم کردند.
Many witnesses contradicted **one another**. بسیاری از شاهدان با یکدیگر مغایرت داشتند.

۶- ضمائر ظاهری: ضمائر ظاهری شامل *it* و *there* می‌شوند. از این دو ضمیر در کنکور سؤال آمده. این ضمائر هیچ نقشی را در جمله ایفا نمی‌کنند! یعنی با اینکه جای فاعل می‌نشینند، ولی فاعل ظاهری‌اند نه فاعل واقعی.

از *it* برای بیان زمان (۱)، فاصله (۲) و وضعیت آب‌وهوایی (۳) استفاده می‌شود:

(1) **It's** eleven o'clock. ساعت ۱۱ است.

(2) **It's** two miles to the town. دو مایل به شهر مانده است.

(3) **It** is raining. هوا بارانی است.

there قبل از فعل *to be* به کار می‌رود و با هم به‌صورت «وجود دارد، هست» ترجمه می‌شوند. هم‌چنین می‌تواند قبل از افعال *appear* و *seem* استفاده شود:

There are two ways to do it. دو راه برای انجام دادن آن وجود دارد.

There seems to be two reasons for her success. به نظر می‌رسد دو دلیل برای موفقیت او وجود داشته است.

نکته آزمون: معمولاً در سؤالاتی که از این مبحث طرح می‌شود، طراحان به‌جای *there* از *it* استفاده می‌کنند که این کاملاً غلط است. مثال‌های درست و نادرست زیر را ببینید:

Correct: There's a lot of crime now in the city center.

Incorrect: It's a lot of crime now in the city center.

در حال حاضر جرائم بسیاری در مرکز شهر وجود دارد.

Correct: There isn't much room inside his car.

Incorrect: It isn't much room inside his car.

جای زیادی داخل ماشین او وجود ندارد.

۷- ضمائر اشاره: این ضمائر شامل *these* و *this* و *those* و *that* می‌شود. دوتای اول برای اشاره به نزدیک به کار می‌روند و هر دو به معنی «این» هستند. از *this* قبل از اسم مفرد و از *these* قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم؛ مثال: *this teacher* (این معلم) و *these teachers* (این معلم‌ها). از دوتای دوم برای اشاره به دور استفاده می‌کنیم، به همین دلیل آن‌ها را به‌صورت «آن» ترجمه می‌کنیم. از *that* قبل از اسم مفرد و از *those* قبل از اسم جمع استفاده می‌کنیم. مثال: *that teacher* (آن معلم) و *those teachers* (آن معلم‌ها).

نکته آزمون: گاهی طراحان سؤال در گزینه‌ها، اسم و ضمیر را با هم استفاده می‌کنند که این به هیچ وجه درست نیست.

مثلاً می‌گویند *The man he arrived* (آن مرد او رسید). در این حالت یا باید *the man* یا *he* حذف بشود چون کاربرد آن‌ها با هم نادرست است.

با همین نکته‌ی ساده گاهی می‌توانید دو تا از گزینه‌ها را رد کنید. مثال زیر را هم ببینید:

Incorrect: My teacher he said that, "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

Correct: My teacher said that "listen to the news on the radio in order to practice listening comprehension".

معلم من گفت برای تمرین درک شنیداری به اخبار رادیو گوش کنید.

Example 4: I was very shocked to see how much my grandmother she had aged since that last time we visited.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۳» وقتی متوجه شدم مادر بزرگم چقدر از آخرین باری که ما همدیگر را دیده‌ایم، پیرتر شده، شوکه شدم.

توضیح گرامری: چون *she* به *my grandmother* برمی‌گردد، نباید هر دو به‌عنوان فاعل استفاده شوند. پس گزینه (۳) یعنی *she* باید حذف شود.

Example 5: The plants that they belong to the family of Ferns are quite varied in their size and structure.

1

2

3

4

پاسخ: گزینه «۱» گیاهانی که به خانواده‌ی سرخس تعلق دارند، بنا به اندازه و ساختار با هم فرق می‌کنند.

توضیح گرامری: *the plants* و *they* به یک چیز برمی‌گردد. پس *they* باید حذف شود.



فعل کلمه‌ای است که عملی را در زمان گذشته، حال یا آینده نشان دهد. معمولاً برعکس زبان فارسی که فعل در آخر جمله می‌آید، در انگلیسی فعل بعد از فاعل یا فعل کمکی به کار می‌رود:

The man **died**./ He has **arrived**./ She **killed** the rat.

تقسیم‌بندی فعل‌ها

فعل‌ها را در زبان انگلیسی به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌کنیم. در اینجا به چند نوع فعل که در ادامه با آنها سروکار داریم، می‌پردازیم:

۱- فعل ربطی: این فعل‌ها شامل *be, become, appear, look, remain, seem, feel, taste, smell* و *sound* می‌شود.

۲- فعل متعدی و لازم: هر فعلی می‌تواند متعدی یا لازم باشد. فعل متعدی فعلی است که باید بعد از آن مفعول بیاید ولی فعل لازم به مفعول نیاز ندارد. خوشبختانه زبان انگلیسی و فارسی در این یک مورد وجه اشتراک زیادی با هم دارند طوری که بسیاری از افعالی که در فارسی متعدی هستند در انگلیسی هم متعدی‌اند یا برعکس، بسیاری از فعل‌هایی که در فارسی لازم هستند در انگلیسی هم لازم‌اند. مثلاً کشتن (*kill*)، خوردن (*eat*)، آوردن (*bring*)، دیدن (*see*) و... در هر دو زبان متعدی و افعالی مثل آمدن (*come*)، رسیدن (*arrive*)، رفتن (*go*) و... در هر دو زبان لازم هستند.

۳- فعل دو مفعولی: این فعل‌ها همانطور که از اسم‌شان پیداست، به دو مفعول نیاز دارند که یکی از مفعول‌ها مستقیم و دیگری غیرمستقیم نام دارد. تفکیک این دو مفعول بسیار ساده است: همیشه مفعولی که موجود زنده است، مفعول غیرمستقیم است. مثال:

My wife sent **me** a flower

همسرم برای من گل فرستاد.

توضیح: در این مثال، *me* که موجود زنده است، مفعول غیرمستقیم ولی *a flower* مفعول مستقیم است.

فعل‌هایی که دو مفعولی هستند تعدادشان زیاد نیست. در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم:

Send, bring, cook, buy, make, give, lend, sell, tell, post etc.

1. We gave them a Christmas card.

ما به آنها کارت کریسمس دادیم.

2. He bought his mother some flowers.

او برای مادرش گل خرید.

توضیح: در این دو مثال، *them* و *his mother* هر دو مفعول غیرمستقیم هستند، چون موجود زنده‌اند و *a Christmas card* و *some flowers* هر دو مفعول مستقیم هستند. این فعل‌ها یک نکته دیگر هم دارند. اگر دقت کنید می‌بینید در سه مثال بالا، اول مفعول غیرمستقیم آمده و بعد مفعول مستقیم. می‌توانیم جای مفعول مستقیم و غیرمستقیم را عوض کنیم که اگر این کار را انجام دهیم، قبل از مفعول غیرمستقیم باید حرف اضافه *for* یا *to* بیاید. یعنی سه تا مثال بالا به این صورت می‌شوند:

My wife sent a flower **to** me // We gave a Christmas card **to** them // He bought some flowers **for** his mother.

زمان‌ها: در زبان انگلیسی ۱۲ زمان وجود دارد که خوشبختانه همه‌ی آنها پُرکاربرد نیستند. فقط هفت - هشت زمان کاربرد زیادی دارند که ما هم فقط همان‌ها را بررسی می‌کنیم و شما هم لازم نیست وقتتان را صرف یادگیری بقیه‌ی زمان‌ها کنید چون از آنها سؤال نمی‌آید. همانطور که می‌دانید، فعل‌ها در هر زبانی که باشند سه زمان را نشان می‌دهند: گذشته، حال و آینده که هر کدام از این‌ها، چهار حالت ساده، استمراری، کامل و کامل استمراری دارد. چون حالت کامل استمراری کاربرد زیادی ندارد، ما هم به آن نمی‌پردازیم.

زمان‌های ساده

فرق «دیدم»، «می‌بینم» و «خواهم دید» در چیست؟ تفاوت آنها در این است که یکی در زمان گذشته انجام شده، یکی در حال و یکی قرار است در آینده انجام شود. بنابراین زمان‌های ساده که شامل گذشته‌ی ساده، حال ساده و آینده ساده می‌شود هیچ فرق خاصی با هم ندارند، جز اینکه تغییر زمانی را نشان می‌دهند. اکنون یکی یکی این سه زمان را توضیح می‌دهیم. با گذشته‌ی ساده شروع می‌کنیم:

۱- زمان گذشته‌ی ساده: زمان گذشته‌ی ساده وقتی به کار می‌رود که ما قرار است در مورد یک عادت یا یک رویداد یا کاری صحبت کنیم که در گذشته صورت گرفته و تمام شده. فعل‌های این زمان به صورت «رفتم»، «دیدم»، «شنیدم» و ... ترجمه می‌شوند.

در ادامه چند مثال را ببینید. هر جا که متوجه نشدید به ترجمه‌ها نگاه کنید، چون این زمان در فارسی هم وجود دارد:

1. I asked her a lot of questions, but she **didn't** answer.

من از او سؤالات بسیاری پرسیدم ولی او جواب نداد.

2. He always **went** to the same park every evening.

او همیشه سر شب به همان پارک می‌رفت.

3. We **won** a gold medal last year.

سال گذشته یک مدال طلا برنده شدیم.

4. We **watched** movies on television.

ما در تلویزیون، فیلم تماشا کردیم.

He **was watching** TV when I **went** home last night.

وقتی دیشب به خانه رفتم، او داشت تلویزیون تماشا می کرد.

I **was making** many new friends at the Olympic village.

من داشتم با افراد زیادی در دهکده المپیک دوست می شدم.

While I **was taking** a shower, the telephone **rang**.

موقعی که داشتم دوش می گرفتم، تلفن زنگ زد.

While you **were speaking**, I **was not working**.

وقتی شما داشتید صحبت می کردید، من کار نمی کردم.

۲- زمان حال استمراری: این زمان به صورت «دارم ... داری ... یا در حال ...» ترجمه می شود و نشان دهنده ی استمرار یک عمل در زمان حال است. به الگو و مثال های آن دقت کنید:

ing فعل + am / is / are + فاعل

I **am reading** a novel right now.

من اکنون در حال خواندن یک رمان هستم.

He **is studying** English at the present time.

او در حال حاضر در حال مطالعه ی انگلیسی است.

They **are playing** ping-pong now.

آنها اکنون در حال بازی پینگ پنگ هستند.

۳- زمان آینده ی استمراری: زمان آینده ی استمراری نشان دهنده ی عملی است که قرار است در آینده استمرار داشته باشد. مثل این جمله: «هفته بعد در حال تماشای تلویزیون خواهم بود». همان طور که می بینید، این جمله به عملی اشاره دارد که قرار است روزی در آینده و به صورت استمرار رخ بدهد. پس با این حساب این زمان به صورت «در حال خواهم / خواهی ... بود» ترجمه می شود:

ing + شکل ساده فعل + shall / will + be + فاعل

This time next week I **will be studying** for the exam.

هفته آینده همین موقع من در حال مطالعه برای امتحان خواهم بود.

They **will be bringing up** their kid this time next year.

سال آینده در چنین زمانی آنها در حال بزرگ کردن فرزندشان خواهند بود.

انتظار می رود با بررسی مثال های بالا، متوجه تفاوت زمان های ساده با زمان های استمراری شده باشید. تفاوت این دو حالت در این است که یکی استمرار را نشان می دهد و یکی عدم استمرار را. مثلاً شباهت و فرق گذشته ی ساده با گذشته ی استمراری در این است که هر دو در گذشته اتفاق افتاده اند، منتها یکی استمرار داشته و دیگری نداشته و این دست نویسنده و گوینده است که این استمرار را نشان بدهد یا نه. برای همین می توانیم جای گذشته ی ساده را با گذشته ی استمراری عوض کنیم، فقط معنی آن عوض می شود. مثال:

I **watched** TV yesterday (گذشته ساده)

I **was watching** TV yesterday. (گذشته استمراری)

هر دو مثال بالا صحیح هستند و فقط تفاوت معنایی و شیفت زمانی بین آنها وجود دارد، چون اولی به صورت «من دیروز تلویزیون تماشا کردم» و دومی به صورت «من دیروز در حال تماشای تلویزیون بودم» ترجمه می شوند. این نکته را از این بابت یادآور شدم که یک وقت فکر نکنید در آزمون با تستی مواجه می شوید که یک گزینه ی آن مثلاً گذشته ی ساده باشد و گزینه ی دیگر، گذشته ی استمراری. یا حتی اگر اینطور هم باشد، نشانه های چیزی وجود دارد که یکی از آنها نادرست باشد و دیگری صحیح. همین موضوع در مورد حال ساده و حال استمراری و آینده ی ساده و آینده ی استمراری هم صدق می کند.

Example 7: The deficit so large. We will probably have to pay additional taxes.

1) grows

2) is growing

3) had grown

4) was growing

پاسخ: گزینه «۲» کسری بودجه در حال زیاد شدن است، احتمالاً مجبور خواهیم بود مالیات اضافی پرداخت کنیم.

توضیح گرامری: چون جمله را به صورت «در حال ...» ترجمه کرده ایم، به زمان استمراری نیاز داریم. (علت نادرست بودن گزینه های (۱) و (۳)). گزینه (۴) کنار می رود چون کاربرد گذشته ی استمراری با will جور در نمی آید.

زمان های کامل

زمان های کامل هم مثل دو زمان قبلی به سه گروه «گذشته ی کامل، حال کامل و آینده ی کامل» تقسیم می شود. آینده ی کامل تقریباً کاربرد چندانی ندارد، پس ما هم در مورد آن بحث نمی کنیم. اما دو مورد دیگر اهمیت دارند و از آنها هم در کنکور سؤالاتی طرح شده است. یکی از نشانه های زمان های کامل، PP یا شکل سوم فعل است که در افعال باقاعده با افزودن «ed» یا «d» به فعل ساخته می شود. پس در افعال باقاعده، شکل گذشته و شکل سوم فعل تفاوتی ندارد. مثلاً watched هم می تواند شکل گذشته باشد و هم شکل سوم فعل. یا played هم می تواند گذشته باشد هم شکل سوم. افعال بی قاعده از این قانون پیروی نمی کنند و به طریق مختص خود PP می شوند.

۱- گذشته کامل: این مثال فارسی را ببینید: «وقتی به خانه رسیدم، علی غذایش را خورده بود». این مثال کاملاً گویاست که جمله در گذشته رخ داده، اما از بین دو عمل صورت گرفته، یک عمل زودتر از دیگری رخ داده؛ یعنی «خوردن غذا». به این عمل، گذشته ی کامل یا همان ماضی بعید می گوئیم. پس از گذشته ی کامل موقعی استفاده می کنیم که یک عمل قبل از عمل دیگری اتفاق افتاده باشد و به صورت «... بودم / ... بودی و ...» یا به عبارتی ماضی بعید ترجمه می شود. مهمتر از همه این که، گذشته ی کامل معمولاً به تنهایی به کار نمی رود و باید با یک جمله ی گذشته ی ساده همراه باشد:

(PP) قسمت سوم فعل + had + فاعل



وقتی من آمدم، آن‌ها ناهار خورده بودند. When I came, they **had eaten** lunch.

زمانی که سارا به مهمانی رسید، پائول رفته بود. When Sara **arrived** at the party, Paul **had already gone**.

وقتی به آن‌جا رسیدیم، او تازه آن‌جا را ترک کرده بود. She **had just left** when I **arrived** there.

توضیح: همان‌طور که می‌بینید، همه مثال‌های گذشته‌ی کامل با یک جمله‌ی گذشته ساده همراه هستند. همچنین به شکل *PP* فعل‌ها نگاه کنید، همه از نوع بی‌قاعده هستند. معنی‌شان هم که دقیقاً مثل ماضی بعید خودمان است.

۲- حال کامل: از زمان حال کامل وقتی استفاده می‌کنیم که عملی در گذشته شروع شده و هنوز هم ادامه دارد یا تأثیرش هنوز هم احساس می‌شود. این زمان دقیقاً مثل زمان ماضی نقلی است و به صورت «رفته‌ام، خورده‌ای و ...» ترجمه می‌شود. مثال‌ها و الگوی آن نیز به صورت زیر است:

قسمت سوم فعل (PP) + have / has + فاعل

1. The city centre **has altered** beyond recognition. مرکز شهر چنان تغییر کرده است که قابل شناسایی نیست.

2. He **has worked** for 5 hours. او به مدت ۵ ساعت کار کرده است.

3. They **have walked** since this morning. آن‌ها از صبح قدم زده‌اند.

4. I **have seen** that movie twenty times. من آن فیلم را بیست بار دیده‌ام.

5. People **have not traveled** to Mars yet. آدم‌ها هنوز به مریخ سفر نکرده‌اند.

6. Nobody **has ever climbed** that mountain. هیچ کس تا به حال از آن کوه بالا نرفته.

Example 8: Even though a member **has ate too much** the night before, the counselors will try to convince

1

2

3

4

him or her to stop eating again.

پاسخ: گزینه «۱» گرچه یکی از اعضا شب قبل پرخوری کرده، مشاوران سعی خواهند کرد او را متقاعد کنند که پرخوری مجدد را کنار بگذارد.

توضیح گرامری: *ate* شکل گذشته است ولی بعد از *has* به *PP* نیاز داریم، پس *eaten* درست است.

علائم و نشانه‌های زمانی: علاوه بر ترجمه، یک راه دیگر برای پاسخگویی به سؤالات زمان‌ها این است که به علائم و نشانه‌های توی جمله دقت کنیم. مثلاً نشانه‌های زمان گذشته در زبان فارسی، قیدهایی مثل «دیروز، پارسال» یا یک سال مثل «۱۳۸۰» و از این قبیل چیزهاست. در زبان انگلیسی هم همین‌طور است. مثلاً نشانه‌های زمان گذشته «yesterday و ago» هستند. هر چند این علائم اختیاری هستند، یعنی هم می‌توانند در جمله باشند و هم نه، اما آشنایی با آنها خالی از لطف نیست:

زمان گذشته ساده: این زمان می‌تواند با علائمی چون yesterday, last year, ago, یا یک سال و تاریخ گذشته همراه باشد. مثال:

Mozart was an Austrian musician. He **lived** from 1756 to 1791.

موزارت یک موسیقیدان اتریشی بود. او از سال ۱۷۵۶ تا ۱۷۹۱ زندگی کرد.

I **washed** the car yesterday.

دیروز ماشین را شستم.

زمان حال ساده: این زمان می‌تواند با قیدهایی تکراری چون frequently, always, sometimes, every day و ... بیاید:

It **always rains** in November.

همیشه در نوامبر باران می‌بارد.

زمان آینده ساده: این زمان می‌تواند با کلماتی چون tomorrow, next year / week, in the future و با سال‌هایی که هنوز نیامده‌اند مثل ۲۰۵۰، ۲۰۶۰ و ... بیاید:

We **will stay** home tomorrow.

ما فردا در خانه خواهیم ماند.

زمان حال استمراری: این زمان با کلماتی چون now, right now, at the moment و ... می‌آید. مثال:

I **am looking for** a job at the moment.

در حال حاضر دارم به دنبال شغل می‌گردم.

زمان گذشته‌ی استمراری: علائم این زمان شامل while و when می‌شود:

I **was listening** to the news while she **was reading** a book.

وقتی او داشت کتاب می‌خواند، من داشتم اخبار گوش می‌کردم.

When she **came back**, we **were watching** TV.

وقتی او برگشت، ما داشتیم تلویزیون تماشا می‌کردیم.

زمان حال کامل: این زمان معمولاً با علائمی مثل already, since, for و ... می‌آید.

I **have lived** in the United States since 2000.

من از سال ۲۰۰۰ در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.

I **have lived** in the United States for 13 years.

من به مدت ۱۳ سال در ایالات متحده زندگی کرده‌ام.

همانطور که می‌بینید بین **since** و **for** یک تفاوت معنایی وجود دارد. **since** برای نشان دادن رأس زمان استفاده می‌شود و معنی «از» می‌دهد ولی **for** برای نشان دادن بازه‌ی زمانی به کار می‌رود و معنی «به مدت» می‌دهد.

Example 9: The property was ours. It to us.

- 1) belongs 2) belonged 3) belonging 4) does not belong

پاسخ: گزینه «۲» آن ملک مال ما بود. به ما تعلق داشت.

توضیح گرامری: چون فعل جمله‌ی اول گذشته است، فعل جمله‌ی دوم هم به صورت گذشته *belonged* می‌آید.

Example 10: He was working in the office while I in the library.

- 1) was 2) am 3) had been 4) have been

پاسخ: گزینه «۱» او در دفتر مشغول انجام کار بود وقتی که من در کتابخانه بودم.

توضیح گرامری: *was working* فعل گذشته‌ی استمراری است که *while* هم نشانه‌ی آن است. فعلی که در جمله بعد از *while* می‌آید، باید گذشته‌ی ساده یا گذشته‌ی استمراری باشد. فقط گزینه (۱) گذشته است. همچنین به ترجمه‌ی جمله دقت کنید.

افعال کمکی

همانطور که از دوران راهنمایی و دبیرستان به خاطر داریم، افعال کمکی (auxiliary verb) معمولاً قبل از فعل اصلی به کار می‌روند، یعنی به صورت زیر:

امشب ممکن است باران ببارد. **It may rain tonight.** ⇒ **subject + auxiliary verb + main verb +**

حالا که جای این افعال مشخص شد، می‌توانیم نقش آنها را هم بررسی کنیم. اولین نقش آنها این است که معمولاً به معنی جمله چیزی را اضافه می‌کنند. مثلاً معادل انگلیسی «فارسی صحبت می‌کنم» می‌شود *I speak Persian*. اگر بخواهیم بگوییم «می‌توانم فارسی صحبت کنم» می‌گوییم *I can speak Persian*. دومین نقش‌شان این است که می‌توانیم از آنها در **سؤالی کردن** یا **منفی کردن** جمله استفاده کنیم:

He **can** speak English ⇒ He **can not (or cannot)** speak English

He **can** speak English ⇒ **Can** he speak English?

Example 11: Did anyone..... to your advertisement in the local paper last week?

- 1) replies 2) replied 3) reply 4) replying

پاسخ: گزینه «۳» آیا کسی به تبلیغات هفته‌ی گذشته‌ی تو در روزنامه‌ی محلی پاسخ داد؟

توضیح گرامری: وقتی از **did** برای سؤالی کردن و منفی کردن جمله استفاده می‌کنیم، زمان از فعل گرفته می‌شود. بنابراین بعد از فعل کمکی *did*، شکل ساده‌ی فعل استفاده می‌شود (یعنی *reply*).

انواع افعال کمکی

افعال کمکی اصلی یا معین: این دسته شامل *be*، *do*، *have* و تمام افعال کمکی مشتق شده از آنها می‌شود (تقریباً همه‌تان این مبحث را بلد هستید و ما فقط به چند تا مثال از هر کدامشان بسنده می‌کنیم).

I **was not** watching TV.

I **am** writing a letter.

I **have** washed the dishes. **Has** the boy finished his food? They **had not** watched TV.

Does the boy study English? The boy **does not** study English.

از هر سه‌ی این افعال می‌توانیم به عنوان فعل اصلی هم استفاده کنیم:

He **is** twenty years old. The book **was** mine.

I **have** a book. They **have** a dog.

افعال کمکی وجهی: به این دسته از افعال کمکی *modal* هم می‌گوییم. این فعل‌ها حتماً نیاز به فعل اصلی کنار خودشان دارند و نمی‌توانند به تنهایی به عنوان فعل اصلی به کار بروند و هم خودشان و هم فعلی که بعد آنها به کار می‌رود باید کاملاً ساده باشد و نمی‌تواند *S* سوم شخص، علامت گذشته یا مواردی از این قبیل بگیرد:

He can sing. ×

He can sings. ×

He may can sing. ×

He can sing. ✓



این افعال شامل موارد زیر می‌شوند:

can, could, may, might, should, ought to, must, have to, had to, had better, used to, would ...

فعل‌های کمکی کاربرد گسترده‌ای دارند ولی چون از آنها سؤالی نیامده، ما هم فقط به اصلی‌ترین کاربرد آنها می‌پردازیم.

خوشبختانه این دسته از افعال در اثر گرت‌برداری وارد زبان فارسی شده‌اند؛ یعنی در جمله «می‌توانم صحبت کنم»، «می‌توانم» دقیقاً از «can» گرت‌برداری شده؛ یا در جمله «ممکن است باران بیاید»، «ممکن است» از «may» گرت‌برداری شده. پس فکر نمی‌کنم مبحث آن خیلی سخت باشد:

۱- **can**: این فعل کمکی به صورت «توانستن» ترجمه می‌شود و هم برای بیان **توانایی** و هم **درخواست** و **اجازه** به کار می‌رود:

می‌توانی شنا کنی، این طور نیست؟ // You can swim, can't you? آیا می‌توانی انگلیسی صحبت کنی؟ Can you speak English?

می‌توانم کمکتان کنم؟ // Can I help you? می‌توانم سؤالی از شما بپرسم؟ Can I ask you a question?

۲- **could**: اولین کاربرد آن دقیقاً مثل can است؛ یعنی **توانایی** را نشان می‌دهد ولی در زمان گذشته. به همین دلیل به صورت «می‌توانستم، می‌توانستی و ...» ترجمه می‌شود. دومین کاربرد آن نیز مانند can است و **اجازه و درخواست** را نشان می‌دهد.

آیا سه سال پیش می‌توانستی انگلیسی صحبت کنی؟ Could you speak English 3 years ago?

اجازه دارم پنجره را باز کنم؟ Could I open the window?

۳- **may** و **might**: این فعل‌های کمکی به صورت «ممکن است» ترجمه می‌شوند و برای بیان **احتمال** و **اجازه گرفتن** به کار می‌روند:

امشب ممکن است باران بیارد. It may / might rain tonight.

ممکن است از کلاس بیرون بروم؟ May / might I go out of class?

۴- **should**: این فعل کمکی به صورت «باید» ترجمه می‌شود و بیشتر برای نشان دادن **توصیه**، **دلسوزی** و **انتظار** به کار می‌رود:

تو تب داری، باید دکترت را ببینی. You have fever, you should visit your doctor.

همین الان باید قطار برسد. (انتظار می‌رود که قطار الان برسد). The train should arrive now.

سپس باید تخم‌مرغ‌ها را ترکیب کنید. Next, you should mix eggs.

۵- **have to** و **must**: این دو فعل کمکی به معنی «باید» هستند و برای بیان **ضرورت** و **اجبار** به کار می‌روند:

شما باید قوانین عبور و مرور را رعایت کنید. You must obey traffic laws.

باید قانون را رعایت کنی. You have to obey the law.

فعل کمکی **had to** هم مثل فعل‌های کمکی **must** و **have to** است، ولی در مورد زمان گذشته به کار می‌رود.

مجبور بودم صبح زود بیدار شوم. I had to get up early.

۶- **had better** و **ought to**: هر دو به صورت «بهبتر است» ترجمه می‌شوند:

بهبتر است جدی‌تر درس بخوانی. You ought to study harder.

ممکن است باران بیارد. بهتر است چتر ببریم. It might rain. We had better take an umbrella.

ساعت ۵ است. بهتر است قبل از اینکه تاریک شود، برویم. It is 5 o'clock. We had better leave now before it gets dark.

این دو فعل کمکی دقیقاً معادل **should** هستند. پس می‌توانیم جملات بالا را به صورت زیر هم بازنویسی کنیم:

You should study harder

It might rain. We should take an umbrella

۷- **used to**: این فعل کمکی به صورت «عادت داشتن» ترجمه می‌شود و از آن برای بیان عادت‌هایی استفاده می‌کنیم که قبلاً داشتیم ولی الان آنها را کنار گذاشته‌ایم. پس می‌توان گفت عادت در گذشته را نشان می‌دهد. حتماً یادتان باشد پس از **used to** شکل ساده‌ی فعل می‌آید:

فعل ساده + used to

وقتی بچه بودم عادت داشتم روی یخ اسکیت کنم (ولی دیگر این کار را انجام نمی‌دهم). When I was a child, I used to ice-skate.

من عادت داشتم سیگار بکشم، اما حالا ترک کرده‌ام. I used to smoke, but now I have stopped.

اگر بخواهیم **used to** را منفی کنیم، به طریق زیر عمل می‌کنیم:

فعل + use + to + didn't

من قبلاً عادت نداشتم هر روز پیاده به مدرسه بروم (اکنون این کار را می‌کنم). I didn't use to go to school on foot every day.

قبلاً فروشگاه‌ها عادت نداشتند به اندازه‌ی این روزها شلوغ باشند. It didn't use to be so crowded in the shops as it is nowadays.